

❖ شیوه:

در روایتی که از پیامبر اسلام صلی الله علیه وآلہ نقل شده آمده است که «إِذَا نَزَّلْتِ الْعَاهَاتَ وَالْأَفَاتَ عُوفَى أَهْلُ الْمَسَاجِدِ» [۱]: هرگاه آفات و عاهات (بیماری‌ها) بر انسان‌ها فروریزد، اهل مساجد در عافیت خواهند بود! اگر این روایت صحیح است، چرا مساجد را از ترس سرایت بیماری بسته‌اید؟ چرا بسیاری از کسانی که اهل مساجد می‌باشند، خود به این بیماری گرفتار شده‌اند؟

❖ پاسخ:

۱. فهم حدیث بر دو امر اساسی متوقف است: یکی اثبات صدور آن از معصوم و دوم بررسی دلالت آن بر مقصود. با جستجو در منابع معتبر و کهن حدیثی شیعه، مشخص شد که این روایت تنها در کتاب الجعفریات، تألیف محمد بن محمد بن اشعث کوفی، زیسته در قرن چهارم هجری، آمده است. کتاب و مؤلف آن، هردو مورد اعتماد عالمان شیعه از قدما بوده است؛ ولی برخی از علمای معاصر به طور جدی در سند آن تشکیک کرده‌اند [۲] و یا آن را رد کرده‌اند [۳]؛ لذا نمی‌توان چندان به قوت آن اتکا نمود.

۲. مرحله دوم پژوهش، که مرحله فهم و دلالت روایت است، خود در دو مرحله انجام می‌گیرد: یکی بررسی و تحلیل مفاد حدیث بدون توجه به دیگر آیات و روایات و دوم بررسی مفاد حدیث، با توجه به آیات و روایات واردشده در موضوع مسجد یا موضوعات عامتری که احکام مسجد را نیز در بر می‌گیرد.

۳. این حدیث چند واژه کلیدی دارد که مفهوم‌شناسی آن لازم است: «الآفات»، «العاهات»، «عوفی»، «أهل المساجد». «الآفة» به معنای آسیبی است که به کشت و دام وارد شده و آن را ناقص یا بیمار می‌کند؛ «العاهه» در لغت به معنای آسیب یا بیماری است که به کشت یا دام وارد می‌شود؛ «عُوفَى» فعل مجہول باب افعال از ریشه واژگانی «عَفَى»، به معنای از بین رفتن و پایان یافتن یک چیز که در مورد بلاها به معنای پایان یافتن یا مصون ماندن از آن و صحت کامل از

آن است. «اَهُلُّ الْمَسَاجِدِ» کسانی‌اند که در مسجد برای عبادت رفت و آمد دارند و به این امر شناخته شده‌اند.

۴. معنای ظاهر این سخن این است که وقتی بلاها و بیماری‌ها فرو ریزد، اهل مساجد در صحت و عافیت خواهند بود. در این راستا می‌باشد توجه کرد که اولاً به مناسبت حکم (عافیت) و موضوع (نزول بلا و بیماری) به نظر می‌رسد منظور از بلاها و بیماری‌ها، بلاها و بیماری‌های اخلاقی، اجتماعی و معنوی باشد؛ یعنی وقتی فتنه‌ها و بلاهای اجتماعی پدیدار شود، اهل مساجد به سبب اتصال به خدا و آگاهی از حقایق دینی و پیمودن راه صحیح زندگی، از آن فتنه‌ها در امان خواهند بود؛ چراکه مساجد مکان انس و اتصال به خدا و آموختن مسائل دینی و ارزش‌های معنوی است، نه محل درمان بیماری‌های جسمی؛ هرچند بسیاری از بیماری‌های جسمی هم ریشه روحی و روانی دارد و معنویت اصیل می‌تواند از آن پیشگیری کند.

ثانیاً: «عافیت» اگرچه در معنای سلامتی جسم و روح، هردو، به کار رفته، اما در نصوص دینی بیشتر در سلامتی دین و ایمان به کار رفته است. بر این اساس، معنای سخن این است که وقتی فتنه‌های گمراه‌کننده فرو بارد و بسیاری از مردم را گمراه و سرگردان کند، اهل مساجد به سبب ارتباط مداوم و نزدیک با دین و عالمان دینی از گمراهی مصون مانند.

ثالثاً: حتی اگر منظور از آفات و عاهات، بیماری‌های جسمی باشد، سخن منسوب به پیامبر صلی الله علیه وآل‌هی به این معنا نیست که اهل مساجد حتی اگر اصول بهداشتی را رعایت نکنند، باز هم در امان خواهند بود و عوامل طبیعی وغیرآن بر اهل مسجد اثر ندارد و نیز به این معنا نیست که اگر عقل و تجربه صحیح به تعطیلی و محدود نمودن موقت مساجد حکم می‌کند، همچنان باید دربهای مساجد باز باشد! این روایت یقیناً بر چنین لوازمی دلالت ندارد.

اسلام دینی علم دوست و عقل محور است و مؤمنان موظف به پیروی از علم و عقل‌اند.^[۴] [۵] توصیه‌های متعدد و وضع قوانین مختلف برای رعایت پاکی و بهداشت جسمی و روحی از احکام طلایی اسلام و روش عملی پیشوایان دین بوده است.

مسلم مؤمنان، با انگیزه ایمانی، بیش از دیگر مردمان به امور بهداشتی و آراستگی ظاهری و باطنی اعتنای کنند و همین توجه به پاکیزگی، خود از زمینه‌ها و عوامل در امان ماندن از بیماری‌ها است. بخش سترگی از احکام فقهی به موضوع طهارت^[۶] مربوط است و مؤمنان به مراعات طهارت و دوری از پلیدی ظاهر و باطن موظف شده‌اند.

بررسی مفاد روایت منسوب به پیامبر صلی الله علیه وآلہ در کنار دیگر آیات و روایات این معنا را به دست می‌دهد که اولاً: اهل مساجد، اهل پاکیزگی و آراستگی‌اند^[۷] و خداوند صریحاً به رعایت پاکیزگی مساجد^[۸] و طهارت ظاهری و باطنی مؤمنان^[۹]، خصوصاً هنگام حضور در مسجد فرمان داده است؛ به همین سبب اگر فرد یا افرادی به بیماری عفونی مبتلا باشند، که محیط مسجد را آلوده می‌کند، حق حضور در مسجد را نداشته و حضورشان در مسجد حرام خواهد بود.^[۱۰]

ثانیاً: تطهیر مسجد از پلیدی‌های ظاهری از واجبات فوری است و به همین سبب، ضدعفونی کردن مسجد از آلودگی‌ها واجب است؛^[۱۱] همچنانکه پاکیزگی و رعایت بهداشت و آراستگی از آداب واجب و مستحب حضور در مساجد و حرم‌های اولیای دین است.

ثالثاً: از آنجا که بر اساس حکم عقل و دین، حفظ جان خود و دیگران بر مؤمنان واجب و خود و دیگران را در معرض بیماری و نابودی قرار دادن حرام است،^[۱۲] اگر بنابر نظر متخصصان، برای پیشگیری از مرگ و بیماری، جلوگیری از حضور افراد در مساجد لازم باشد، بستن درهای مساجد نه تنها ممنوع نیست، بلکه واجب شرعی خواهد بود^[۱۳] و این امر هرگز از قداست و اهمیت مسجد نمی‌کاهد، بلکه خود از اهمیت و قداست مسجد در نظر شرع مطهر نشان دارد. رابعاً توجه به این نکته مهم است که معمولاً بیماری‌ها و بلاهای اجتماعی علاوه بر خسارات‌های جسمی و مادی، پیامدهای فکری، اعتقادی و اخلاقی گسترده‌ای هم دارد؛ آنچنانکه ممکن است بسیاری از مردم در اعتقادات خود تردید کنند یا به رفتارهای غیراخلاقی آلوده گردند یا دست کم گرفتار نالمیدی، اضطراب و آشفتگی شوند. بر

اساس این سخن پیامبر، اهل مساجد به سبب ارتباط مداوم و عمیق با خداوند، از
چنان پیامدهایی در امان خواهند بود!

۵. نکته پایانی اینکه وقتی مثلاً گفته می‌شود «اهل مساجد» چنین و چنان‌اند،
منظور غالب افرادی است که چنین وصفی دارند، نه تک تک افراد و سخن
گفتن به این شیوه در عرف عقلاً رایج است. بنابر این معنای سخن مورد بحث
این است که در بلاهای فraigیر، غالب اهل مساجد در امان و عافیت خواهند بود؛
هرچند ممکن است برخی از آنان نیز به آن بلaha گرفتار آیند!

پی نوشت :

[۱]. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلَى عَلِيِّهِ السَّلَامُ قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا نَزَّلْتِ الْعَاهَاتَ وَالْأَفَاتَ عُوفِي أَهْلُ الْمَسَاجِدِ (ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفريات (الأشعثيات) - تهران، چاپ: اول، بی تا)

[۲]. مکارم شیرازی، ناصر؛ کتاب النکاح، چاپ اول، ج ۶، ۴.

[۳]. خوبی، ابوالقاسم؛ مصباح الفقاهه، قم: مكتبه الداوري، چاپ اول، ج ۱.

[۴]. «ولاتقف ما ليس لك به علم ...» (اسراء: ۳۶).

[۵]. أَخْبَرَنَا أَبُو جَعْفَرِ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ حَدَّثَنِي عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَ قَالَ: لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ اسْتَنْطَقَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ أُقْبِلَ فَأَقْبِلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَذْبِرُ فَأَذْبَرَ ثُمَّ قَالَ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ وَلَا أَكْمَلْتُكَ إِلَّا فِيمَنْ أَحِبُّ أَمَّا إِنِّي إِيَّاكَ آمُرُ وَإِيَّاكَ أَنْهَى وَإِيَّاكَ أَعَاقِبُ وَإِيَّاكَ أُثِيبُ. (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق)

[۶] رک: توضیح المسائل مراجع معظم تقليید، بخش طهارت؛ نیز رک: حلیه المتقین، علامه محمدباقر مجلسی.

[۷]. رک: بقره: ۱۲۵، حج: ۲۵ و اعراف: ۳۱.

[۸]. بقره: ۱۲۵ و حج: ۲۵.

[٩] . مُحَمَّد بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَابِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ كُلَيْبِ الصَّيْدَاوِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَالَ «مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَاةِ أَنَّ بَيْوَتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدِ فَطُوبِي لِعَبْدٍ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي أَلَا إِنَّ عَلَى الْمَزُورِ كَرَامَةً الرَّائِرِ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ أَلَا بَشَّرَ الْمَشَاءِينَ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (قمى، صدوق، محمد بن على بن بابويه، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، در يك جلد، دار الشريف الرضي للنشر، قم - ايران، دوم، ١٤٠٦ هـ)

[١٠] . الأمالى للصدوق ابن المتأوكلى عن سعد عن ابن هاشم عن الحسين بن الحسن القرشى عن سليمان بن جعفر البصري عن عبد الله بن الحسين بن زيد عن أبيه عن الصادق عن أبيه ع قال قال النبي ص إن الله كره لكم أيها الأمة أربعاء عشررين خصلة و نهائكم عنها و ساق الحديث إلى أن قال كره أن يكلم الرجل مخذوماً إلا أن يكون بيته و بيته قدر ذراع و قال فير من المخذوم فرارك من الأسد. (مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، بحار الأنوار (ط - بيروت) - بيروت، چاپ: دوم، ١٤٠٣ ق).

[١١] . رك: توضيح المسائل مراجع معظم تقليد، احكام مسجد.

[١٢] . «... وَلَا تَقْتِلُوا أَنفُسَكُمْ ...» (نساء: ٢٩)؛ «... مِنْ قَتْلِ نَفْسٍ بَغَيْرِ نَفْسٍ فَكَانَمَا قَتْلَ النَّاسِ جَمِيعاً ...» (مائدة: ٣٢)

[١٣] . «... فَأَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (تحل: ٤٣)